

تقدیم به تندیس مهربانی، مادرم و دلیل زندگی‌ام،
کیارش عزیزم

زارعی

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

اصغری



اگره جزو کسایبی هستی که عربی رو دوست دارن، یا لاقلاً پذیرفتن که باید تو این دو سه سال تا کنکورشون، برای درس عربی حسابی وقت بذارن که هیچ، ما کاملاً باهات موافقیم.

اما اگره جزو دستۀ دیگه‌ای هستی که هیچ‌جوره با عربی کنار نمیان و مدام می‌گن: «آه، چه فُبره این‌همه قواعد سُنّت و عیب غریب واسه یه زبان؟» یا «نگاه کن! اُنْتُم ... اُنْتُم ... اُنْتُن ... یه کاریه فُب؟ یه کلمه بگو، شما!» و از این جور حرفا، بیا بشین یه دو کلام با هم حرف بزنیم:

کلام اول! کنکور خواهر من! کنکور برادر من! وقتی می‌دونی درصد عربی چه اثر مهمی تو نتیجۀ کنکور داره، خب یه کم گارد تو باز کن نسبت بهش، نمی‌گم دوست جون جونی شو با عربی، ولی باور کن در حد یه رفاقت معمولی رو می‌تونی داشته باشی باهاش. چه طوری؟ بعد کلام دوم بهت می‌گم.

کلام دوم فرض کن می‌خوای یه مسیر سخت و پرپیچ‌وخم رو طی کنی، معلومه که ذهنت ناخودآگاه جلوی این سختی و قدم گذاشتن تو مسیر مقاومت می‌کنه. ولی اگر کسی که قبل تو این راهورفته بهت بگه آخر راه کلی مناظر زیبا و دلپذیر منتظرته، مطمئناً راحت‌تر راه می‌فتی و با سختیای مسیر کنار می‌ای. حکایت عربی‌خوندن و سختیاشه. هر چی به عربی مسلط‌تر بشی منظره‌های زیباتری منتظرته. می‌پرسی چیه؟ **اولیش** همین شیرینی موفقیت تو امتحانات و کنکور. **دومیش** واسه تو که دانش‌آموز انسانی هستی و از اون اهل دل‌اشی! لذت‌بردن بیشتر از زبان و ادبیات فارسی خودمونه. بهتر از من می‌دونی که کلی از شاهکارهای ادبیات فارسی پر از عبارات عربی هستن.

مثل این غزل حافظ: از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه / اِنّی رأیتُ دهرأ من هجرک القیامة (از دوری تو، روزگار را مثل قیامت [سخت و ترسناک] دیدم). یا غزل معروف سعدی: «به پایان آمد این دفتر» که پر از ابیات زیبای عربیه.

سومیش این که می‌تونی تا حدی خود ادبیات عربی رو هم بخونی، این قدر زیباست که نگم برات! از ادبیات کهنشون، ادبیات معاصرشون، شعرهایی که مردمش روی دیوارها می‌نویسن و معروفه به جداریات و ... مثلاً: «سَلامٌ لِلَّذینَ أَحَبَّهمُ عبثاً: سلام بر آنان که بیهوده دوستشان داشتیم» یا «- کیف بنیت نفسک؟ - جَرَحاً علی جَرَح»: «چگونه خودت را ساختی؟ - زخم به زخم!»

کنار این‌ها یه چیز دیگه رو هم یادت نره که هر زبان جدید، یه دنیای جدید!

اما خب، قرار نیس ما کنار گود بشینیم و فقط بگیم فلان کار رو بکن. تمام تلاشمونو کردیم که با تألیف یه کتاب خوب و جذاب، مسیر رو برات ساده کنیم. نوشتنش حدود یه سال و نیم طول کشید و مؤلفای خوبمون تلاش کردن تمام مطالب مورد نیاز شما برای تسلط کامل به مبحث عربی دهم رو در کتاب پوشش بدن. خانم زارعی گرامی و آقای اصغری عزیز ازتون ممنونم.

تشکر می‌کنم از همکارانمون تو واحد تألیف کتاب‌های انسانی، خانم الهه آرانی و آقای سعید احمدپور که همیشه تلاش می‌کنن تا کتاب‌های انسانی با بهترین کیفیت به دست شما برسه.

و ممنونم از همکاران واحد تولید، بابت روحیۀ خستگی‌ناپذیر و زحمات مداومشون.



با سلام خدمت همکاران گرامی و دانش‌آموزان عزیز

کتابی که پیش روی شماست، جهت آمادگی برای شرکت در آزمون‌های کنکور سراسری تألیف شده است؛ البته از آنجایی که ساختار این کتاب به صورت درس‌به‌درس است، برای آمادگی در امتحانات مدرسه و کنکورهای آزمایشی نیز به راحتی قابل استفاده می‌باشد و می‌توانید با توجه به بودجه‌بندی آزمون مورد نظر، مباحث را انتخاب و مطالعه کنید. تلاش ما در این کتاب بر این بوده است که با بینش و رویکردی کاملاً متفاوت و مطابق با سبک کتاب‌های درسی جدید حرکت کنیم و مهارت دانش‌آموز را در یادگیری کامل مطالب درسی و پاسخ‌گویی به تست‌های کنکور بالا ببریم.

معرفی بخش‌های مختلف کتاب در هر درس:

۱- درس‌نامه: بیان مطالب درسی به زبانی کاملاً ساده و روشن است و دارای مثال‌های کافی و متنوع می‌باشد. ضمن توجه به مطالب کتاب درسی، نکات کاربردی و کنکوری را به صورت کامل ذکر کرده‌ایم و تلاش نموده‌ایم بین مطالب کنکوری و کتاب درسی ارتباط مؤثری برقرار کنیم. در توضیح قواعد از جدول‌ها و نمودارهای مختلفی استفاده شده و بعد از بیان هر مطلب «نمونه تستی» مربوط به آن همراه پاسخ تشریحی ذکر شده است.

۲- کارگاه ترجمه: در پایان بخش قواعد هر درس، قواعد ترجمه مربوط به آن نیز تحت عنوان «کارگاه ترجمه» آورده شده است که دربردارنده مثال‌های کافی، نکات کنکوری ترجمه و نمونه‌های تستی است. به دانش‌آموزان عزیز توصیه می‌کنیم جهت تسلط بر تست‌های ترجمه، این بخش را نیز خیلی خوب مطالعه کنند.

۳- ترجمه و بررسی جملات مهم درس: در این بخش جملات مهم هر درس ترجمه شده و از منظر قواعدی که تا همان درس خوانده‌اید، مورد بررسی قرار گرفته است و نکات مهم کنکوری قواعد و ترجمه مربوط به آن نیز بیان شده است. مطالعه این بخش نیز در مهارت شما در پاسخ‌گویی به تست‌ها بسیار کمک‌کننده است.

۴- واژه‌نامه: تمام واژه‌های مهم به صورت درس‌به‌درس بیان شده است. این بخش محدود به واژه‌های متن نیست، بلکه شامل همه واژه‌های مهم درس می‌باشد. شکل مضارع و مصدر فعل‌ها بیان شده و به مطالب و نکات مهم واژگان نیز اشاره شده است.

۵- کلمات مترادف و متضاد: با توجه به این که این موضوع، هم در کتاب درسی و هم در تست‌های کنکور مورد توجه قرار گرفته است، کلمات مترادف و متضاد هر درس را جمع‌آوری کرده‌ایم.

۶- جمع‌های مکتسر: جمع‌های مکتسر نیز مانند مترادف و متضاد از اهمیت زیادی برخوردار است و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تست‌های کنکور مورد پرسش قرار می‌گیرد.

۷- پرسش‌های چهارگزینه‌ای: در این بخش تیپ‌های مختلفی از تست‌ها به تعداد کافی و به صورت طبقه‌بندی شده وجود دارد و شامل تست‌های کنکور سراسری سال‌های اخیر و تست‌های تألیفی بسیار قوی و منطبق با استانداردهای کنکور سراسری می‌باشد. هم‌چنین با توجه به وجود تست‌های تألیفی متنوعی که در این مجموعه وجود دارد، تیپ‌های مختلف سؤالاتی که در سال‌های آینده نیز ممکن است در کنکور طراحی شود، پوشش داده شده است. از مطالبی که در کتاب درسی حذف شده، سؤال داده نشده و تست‌ها کاملاً منطبق با کتاب درسی و کنکورهای جدید است. این بخش شامل تست‌های واژگان (مترادف، متضاد، جمع مکتسر، ...)، ترجمه (چهارعبارتی، تک‌عبارتی)، تعریف، مفهوم، درک مطلب و قواعد می‌باشد. در پایان تست‌های قواعد هر درس، چند تست «ضبط حرکات» هم داده شده تا دانش‌آموزان به تدریج با این نوع تست‌ها آشنا شوند.

۸- پاسخ‌های تشریحی: آن‌چه در پاسخ‌گویی به تست‌ها مورد نیاز و ضروری بوده کاملاً توضیح داده شده و به نکات و موارد مهم و دام‌های تستی اشاره شده است؛ همه گزینه‌ها بررسی شده و در موارد لازم ترجمه گزینه‌ها بیان شده است.

راهنمای استفاده از کتاب

قبل از پاسخ‌دادن به تست‌های قواعد در هر بخش، ابتدا درس‌نامه مربوط به آن‌ها را به طور کامل و دقیق مطالعه کنید؛ بدیهی است که پیش از پاسخ‌دادن به تست‌های ترجمه نیز لازم است بخش کارگاه ترجمه را با حوصله بخوانید و واژگان آن درس را به خاطر بسپارید.

دانش‌آموزان عزیز توجه داشته باشند قبل از این که کلید پاسخ را نگاه کنند، جهت یادگیری بهتر، ابتدا خودشان تست‌ها را حل کنند، سپس به بخش پاسخ مراجعه کنند و پاسخ خود را مقایسه و آموخته‌های خویش را تکمیل نمایند.

البته در شیوه مطالعه و دستورالعمل استفاده از کتاب، با توجه به شرایط خاص هر دانش‌آموز ممکن است دبیران محترم و مشاوران عزیز نظرات دیگری داشته باشند که قطعاً نظر آن اساتید بزرگوار در اولویت خواهد بود.

امیدواریم که تلاش ما در تألیف این کتاب در کنار تلاش شما عزیزان در مطالعه دقیق مطالب آن، در موفقیت شما عزیزان نتیجه‌بخش باشد.

در پایان، وظیفه خود می‌دانیم از همه عزیزانی که هر یک به نوعی ما را در این مسیر یاری نمودند، قدردانی کنیم:

همکاران محترم واحد تألیف، آقایان مهدی هاشمی، سعید احمدپور و خانم الهه آرانی

همکاران گرامی در واحد تولید

همکاران محترم در واحد ویرایش فنی

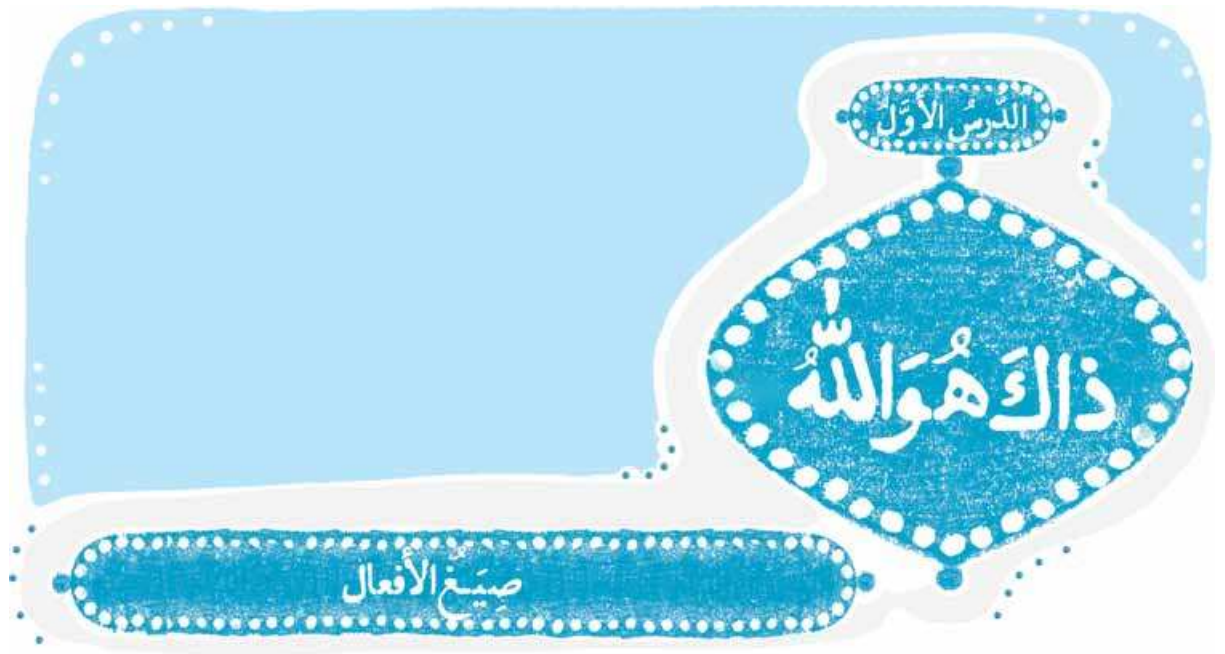
دوستان گرامی آقایان محمدعلی جنانی و مختار حسامی و همکار محترم سرکار خانم ملیحه یعقوبی‌زاده که برای ویراستاری این کتاب قبول زحمت نمودند و سایر عوامل و دست‌اندرکاران.

شاد و سربلند باشید.

مؤلفان

فهرست

- ٧ الدرس الأول: ذاك هو الله
- ٣٠ الدرس الثاني: العلم مسؤولون
- ٤٦ الدرس الثالث: مطر السماء
- ٦٢ الدرس الرابع: التعاضد السلمي
- ٧٧ الدرس الخامس: هذا خلق الله
- ٩٥ الدرس السادس: المعالم الخلقة
- ١٠٨ الدرس السابع: صناعة النفط
- ١٢٢ الدرس الثامن: يا من في البحار عجائبه
- ١٣٦ ملحق تشریحی
- ١٨٣ ملحق لیلدی



قواعد

دوستان، در این درس مهم‌ترین قواعدی را که در دوره متوسطه اول یاد گرفته‌اید، مرور و نکاتی را به آن اضافه می‌کنیم. سعی کنید برای قوی‌تر کردن پایه عربی خود به مطالب این درس کاملاً مسلط شوید.

۱- انواع کلمه: اسم، فعل، حرف

۱- **اسم:** واژه‌ای است که دلالت بر چیزی یا شخصی یا مفهومی دارد و در آن عنصر زمان وجود ندارد؛ مانند: حُسَيْن، شَجَرَة، تَلْفَاز (تلویزیون)، أَنْتُمْ (شما)، أَكَل (خوردن) و ...

۲- **فعل:** واژه‌ای است که دلالت بر انجام کاری یا روی دادن حالتی دارد و در آن حتماً عنصر زمان (گذشته، حال، آینده) وجود دارد؛ مانند: أَكَلُوا (خوردند)، يُنْظَرُونَ (می‌نگرند)، جَالَسُوا (همنشینی کنید) و ...

۳- **حرف:** مقصود از حرف در این جا «حروف الفبایی» نیست؛ بلکه واژه‌هایی مانند مِن (از)، فِي (در)، إِنَّ (بی‌گمان)، لَوْ (اگر)، إِنْ (اگر)، أَنْ (که) و ... است که به همراه واژه یا واژه‌های بعد از خود، معنای جمله را تکمیل می‌کنند.

مثال رَكِبْنَا سَيَّارَةً لِنَذْهَبَ إِلَى قَرْيَتِنَا الْجَمِيلَةِ سَوار ماشینی شدیم تا به روستای زیبایمان برویم.
فعل اسم حرف فعل حرف اسم حرف حرف اسم



۱ هر واژه‌ای که در ابتدای آن «ال» یا در انتهای آن تنوین (ئِ) باشد، اسم است.

۲ به خاطر بسپارید؛ واژه‌های زیر «اسم» هستند:

◀ ضمایر؛ مانند: أَنْتَ، أَنَا، هُمْ، أَنْتُمْ، لَکَ و ...

◀ مصدرها؛ مانند: ذَهَاب (رفتن)، جُلُوس (نشستن)، تَعَلَّمَ (آموختن) و ...

◀ اسم‌های اشاره؛ هذا، هذِهِ، هَذَانِ، هَاتَانِ، هَؤُلَاءِ، ذَلِكَ، تِلْكَ، أُولَئِكَ، هُنَا، هُنَاكَ

◀ اسم‌های موصول: الَّذِي، الَّتِي (کسی که / که)، الَّذَانِ، اللَّذَيْنِ، اللَّتَيْنِ (کسانی که / که)، الَّذِينَ، اللَّاتِي (کسانی که / که)، مَنْ (کسی که، کسانی که)، مَا (چیزی که)

◀ ادوات استفهام (کلمات پرسشی)؛ مانند: مَنْ (چه کسی؟)، مَا (چه چیز؟)، مَتَى (کی؟)، أَيْنَ (کجا)، كَيْفَ (چگونه؟)، كَمْ (چند؟) و ...

۱ بهترین راه تشخیص فعل، آشنایی با ساختار فعل ماضی، مضارع و امر است؛ چون هر فعلی قطعاً در یکی از این سه ساختار قرار دارد.

بحث مذکر و مؤنث در زبان عربی به «همه اسمها» مربوط می‌شود؛ در دنیای واقعی، مذکر (نربودن) و مؤنث (ماده‌بودن) مربوط به جانداران است؛ اما در دنیای زبان عربی، همه اسمها - حتی جامدات و مفاهیم - یا مذکر هستند یا مؤنث. به عنوان مثال واژه «کتاب» مذکر و «مِنَصْدَة» (میز) مؤنث است؛ بنابراین، فعل، ضمیر، صفت، اسم اشاره و ... برای اسم‌های مذکر به صورت مذکر و برای اسم‌های مؤنث به صورت مؤنث آورده می‌شود.

تشخیص مذکر و مؤنث

حالا این سؤال مطرح می‌شود که در برخورد با یک اسم، چگونه تشخیص دهیم مذکر است یا مؤنث؟ اسم مؤنث معمولاً با علامت‌های تأنیث همراه است و مهم‌ترین علامت تأنیث «ة» می‌باشد؛ مانند: فاطمة، مُمَرَّضَة (پرستار)، قَرِيَّة (روستا)، مُسَاعِدَة، قصیره و ...



۱- دقت کنید که علامت تأنیث «ة» است نه «ت»! بنابراین واژه‌هایی مانند «بیت، صُوت، مَوْت، نَبات (گیاه)، صامِت (ساکت) و ...» مذکر هستند نه مؤنث!

۲- برخی از اسم‌ها علامت تأنیث ندارند، اما از معنای آن‌ها کاملاً مشخص است که مؤنث هستند؛ مانند: بِنْت (دختر)، اُمّ (مادر)، زینب، اُخت (خواهر) و ...

۳- در برخورد با اسم‌های جمع مکسر باید به مفرد آن‌ها نگاه کنیم و سپس قضاوت کنیم که آیا مذکر است یا مؤنث؛ مثلاً «جُمَل» جمع مکسر «جُمَلَة» است و مؤنث، و «إِخْوَة» (برادران) جمع مکسر «أخ» است و مذکر. حالا شما بگویید واژه‌های «سُور، طَلَبَة، ظَلَمَة» کدام مذکر و کدام مؤنث است؟

بیشتر بدانیم

- ◀ اسامی شهرها و کشورها نیز غالباً مؤنث به حساب می‌آیند؛ مانند: ایران، مشهد، کویت، ...
- ◀ تعدادی اسم وجود دارد که هر چند علامت تأنیث ندارند اما در زبان عربی مؤنث حساب می‌شوند و باید آن‌ها را به خاطر بسپاریم؛ واژه‌هایی مانند: عَيْن (چشم)، يَد (دست)، رَجُل (پا)، شَمْس (خورشید)، اَرْض (زمین)، نَفْس (خود)، سَمَاء (آسمان)، رِيح (باد)، بَئْر (چاه)، نار (آتش) و ...، به این واژه‌ها اصطلاحاً «مؤنث معنوی» می‌گویند.
- ◀ یک قاعده بسیار پرکاربرد وجود دارد و آن این است که با «اسامی جمع غیرعاقل» همانند «مفرد مؤنث» برخورد می‌شود و برای آن‌ها اسم اشاره، ضمیر، فعل و ... در حالت مفرد مؤنث می‌آید؛ مثلاً می‌گوییم: هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي عَلَى الْأَرْضِ. در این مثال می‌بینید که برای «الأنهار» (رودها) که جمع مکسر «النهر» است، اسم اشاره «هذه» و فعل «تجري» به صورت مؤنث آورده شده‌اند.



کم اسماً مؤنثاً يُوجَد في هذه العبارة؟ «ذَٰك هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مُنْهَمِرَةً / فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِعَدَا غَيْرِهَا حَضِرَةً»

(۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

پاسخ: گزینه «۴» دقت کنید واژه‌های «مُنْهَمِرَةً» و «حَضِرَةً» در اصل «مُنْهَمِرَة» و «حَضِرَة» هستند که به خاطر رعایت وزن شعری «ة» به صورت «ه» نوشته و خوانده می‌شود. پس اسم‌های مؤنث موجود عبارت‌اند از: ۱- أَنْعَم (جمع مکسر «نعمة») ۲- الْأَرْض (مؤنث معنوی) ۳- مُنْهَمِرَة ۴- حَضِرَة.

اسم از نظر تعداد: مفرد، مثنی، جمع

۱- مفرد: دلالت بر یک چیز یا یک نفر دارد؛ مانند: معلّمة (آموزگار)، الجوّال (تلفن همراه)، مَوْظَف (کارمند).

۲- مثنی: دلالت بر دو چیز یا دو نفر دارد؛ مانند: معلّمتان (دو معلّم)، الجوّالان (دو تلفن همراه)، مَوْظَفِين (دو کارمند). در ادامه با نحوه ساخت اسم مثنی آشنا می‌شوید.

۳- جمع: بر بیش از دو چیز یا دو نفر دلالت دارد؛ مانند: معلّمات (چند آموزگار)، العُصون (شاخه‌ها)، مَوْظَفون (کارمندان).

در عربی دو نوع جمع داریم: ۱- جمع سالم ۲- جمع مکسر؛ در جمع سالم (که خود به دو نوع جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم تقسیم می‌شود)، به اسم مذکر و مؤنث، علائم جمع هر یک اضافه می‌شود؛ اما در جمع مکسر علائم یا پسوندی به آخر واژه اضافه نمی‌شود، بلکه آن اسم کاملاً به هم می‌ریزد و آرایشی جدید به خود می‌گیرد. جمع‌های مکسر معمولاً قاعده خاصی ندارند و باید به خاطر سپرده شوند. در جدول صفحه بعد ساختار و نحوه ساخت اسم‌های مثنی و انواع جمع ذکر شده است.

مثال			ساختار		مثتی
مَكْتَبَتَانِ	← مَكْتَبَةٌ	والِدَانِ	← وَاِلِدٌ	اِنِ	
مَكْتَبَتَيْنِ		وَالِدَيْنِ		اَيْنِ	
مُتَّهِمُونَ	← مُتَّهِمٌ	مُسْلِمُونَ	← مُسْلِمٌ	وَنَ	اسم مفرد مذکر +
مُتَّهِمِينَ		مُسْلِمِينَ		يَنَ	
مُصْرَفَاتُ / صَدِيقَةٌ ← صَدِيقَاتُ			مُصْرَفَةٌ ← مُمَرِّضَاتُ / صَدِيقَةٌ ← صَدِيقَاتُ		اسم مفرد مؤنث + ات («ة» مؤنث در هنگام جمع بسته شدن حذف می شود.)
عَمَالٌ ← عَمَالٌ (کارگران) / طَبِيبٌ ← أَطِبَاءٌ / نَجْمٌ ← نَجُومٌ، أَنْجُمٌ (ستارگان) / يَدٌ ← أَيَدِي (دستان)			عَامِلٌ ← عَمَالٌ (کارگران) / طَبِيبٌ ← أَطِبَاءٌ / نَجْمٌ ← نَجُومٌ، أَنْجُمٌ (ستارگان) / يَدٌ ← أَيَدِي (دستان)		اسم مفرد مؤنث + ات قاعده خاصی ندارد و باید آن‌ها را حفظ کنیم.
					جمع مؤنث سالم
					مکسر



عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) مثتی من «مؤمن» ← مؤمنين
 (۲) جمع سالم من «عامل» ← عَمَالٌ
 (۳) جمع سالم من «طبيبة» ← طبيبات
 (۴) جمع مکسر من «شاعر» ← أشعار

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه (۱): علائم مثتی «ان / ين» هست؛ بنابراین «دو مؤمن» می شود: مؤمنان / مؤمنين. («مؤمنين» جمع مذکر سالم است).
 گزینه (۲): «عَمَالٌ» جمع مکسر است!
 گزینه (۴): «أشعار» جمع مکسر «شعر» است نه «شاعر»؛ جمع «شاعر» می شود «شُعراء».

وقتی بخواهیم اسم مؤنثی را که به «ة» ختم شده، جمع ببندیم و به آن «ات» اضافه کنیم، ابتدا «ة» آن را از آخرش حذف می کنیم و سپس «ات» را اضافه می کنیم؛ مثال: طبيبة ← طبيبات.

گفتیم مثتی و جمع مذکر سالم دارای پسوندهای «ان / ين» و «ون / ين» هستند؛ اما این که با کدام پسوند بیابند، بستگی به جایگاهشان در جمله دارد. (با این مبحث در درس ششم آشنا خواهید شد.)

همان طور که در جدول بالا می بینید، بعضی از اسمها بیشتر از یک جمع مکسر دارند؛ مثال: عُصْنٌ ← عُصُونٌ، أَعْصَانٌ ← طَالِبٌ ← طَلَّابٌ. اگر کلمه‌ای مانند «مُعَلِّمِينَ» آخرش حرکت گذاری نشده باشد، در این حالت باید به قرائن دیگر در جمله توجه کنیم تا بتوانیم تشخیص دهیم این کلمه مثتی (مُعَلِّمِينَ) است یا جمع مذکر سالم (مُعَلِّمِينَ)!

این مهم ترین نکته در این مبحث است: هر واژه‌ای که آخرش «ان»، «ين»، «ون» و «ات» بود، لزوماً مثتی، جمع مذکر سالم و یا جمع مؤنث سالم نیست. در واقع زمانی یک اسم، مثتی یا جمع مذکر سالم یا جمع مؤنث سالم است که دقیقاً این ساختار را داشته باشد: «اسم مفرد + پسوند». در خیلی از اسمها علامت‌های ذکر شده جزء خود واژه است نه علامت مثتی، جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم. اکنون به این نوع اسمها اشاره می کنیم:

ان ← واژه‌هایی مانند طَبِيران (پرواز)، عَفْران (آمرزش)، عَطْشان (تشنه) و ... مفرد هستند و واژه‌هایی مانند اَدْبَان (دین‌ها)، اَلْوَان (رنگ‌ها)، اُدْهان (ذهن‌ها) و ... جمع مکسر هستند.

ون ← واژه‌هایی مانند جُنُون (دیوانگی)، مَحْزُون (غمگین)، مَضْمُون (محتوا) و ... مفرد هستند و واژه‌هایی مانند دُيُون (قرض‌ها)، عُصُون (شاخه‌ها) و ... جمع مکسر هستند.

ين ← واژه‌هایی مانند مَساكين، مَضامين، قوانين و ... جمع مکسر هستند نه جمع مذکر سالم!

ات ← واژه‌هایی مانند اَصوات، اَموات، اَبیات و اَوقات جمع مکسر هستند نه جمع مؤنث سالم!

عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:

- ١) يَجِبُ أَنْ نَجْتَهِدَ لِلطَّيْرَانِ نَحْوَ الْكَمَالِ وَالرُّشْدِ: مَثَلِي مَذْكَرٌ
- ٢) لَا يَرْفَعُ الْأَوْلَادَ الْمُؤَدَّبُونَ أَصْوَاتَهُمْ أَمَامَ وَالِدَيْهِمْ: جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَوْثِثِ
- ٣) لَا تَطْرُدُ الْمُحْتَاجِينَ عِنْدَمَا يَسْأَلُونَ مِنْكَ شَيْئاً: جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَذْكَرِ
- ٤) نَشْمُ رَائِحَةَ الرِّيحَيْنِ فِي هَذِهِ الْحَدَائِقِ: جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَذْكَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
گزینه «٣» بررسی سایر گزینه‌ها:

«الطَّيْرَانِ» مصدر و مفرد، «أصوات» جمع مكسر «صوت» و «الرِّيحَيْنِ» جمع مكسر «الرِّيحَانِ» است.
ترجمه گزینه‌ها:

- گزینه (١): باید برای پرواز به سوی کمال و رشد تلاش کنیم.
- گزینه (٢): فرزندان مؤدب صداهایشان را در برابر پدر و مادرشان بالا نمی‌برند.
- گزینه (٣): نیازمندان را هنگامی که از تو چیزی می‌خواهند با تندی نران!
- گزینه (٤): بوی گیاهان خوشبو را در این باغ‌ها استشمام می‌کنیم.

٤- اَسْمَاءٌ بِأَسْمَاءٍ أُشَارَةُ

اسم‌های اشاره دو نوع هستند: ١) اسمی اشاره به نزدیک ٢) اسمی اشاره به دور

اسم‌های اشاره به دور		اسم‌های اشاره به نزدیک	
مفرد مذکر	ذَلِكَ (آن)	مفرد مذکر	هَذَا (این)
مفرد مؤنث	تِلْكَ (آن)	مثنای مذکر	هَذَانِ / هَذَيْنِ (این‌ها)
جمع مذکر	أُولَئِكَ (آن‌ها)	جمع مذکر	هَؤُلَاءِ (این‌ها)
جمع مؤنث	أُولَئِكَ (آن‌ها)	مفرد مؤنث	هَذِهِ (این)
		مثنای مؤنث	هَاتَانِ / هَاتَيْنِ (این‌ها)
		جمع مؤنث	هَؤُلَاءِ (این‌ها)

اسم‌های اشاره به مکان: ١) هُنَا (این‌جا) ٢) هُنَاكَ (آن‌جا)

نمونه «هُنَاكَ» در ابتدای جمله غالباً معنی «وجود دارد» می‌دهد؛ مثال: هُنَاكَ كُتُبٌ مَفِيدَةٌ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ: کتاب‌های مفیدی در کتابخانهٔ مدرسه وجود دارد.

بیشتر بدانیم

نکته همان‌طور که اشاره کردیم، با اسمی جمع غیرعاقل همانند «مفرد مؤنث» برخورد می‌شود؛ بنابراین برای اشاره به واژه‌هایی مثل «جبال، کُتُب، فُرَاشَات» (پروانه‌ها) و ... از اسم اشارهٔ مفرد مؤنث (هَذِهِ / تِلْكَ) استفاده می‌کنیم.

مثال هذه الكُتُبُ / تلك الجبالُ. / هذه فراشاتُ. / تلك الصُّوُرُ

(١) أَوْلَئِكَ سَيَّاحٌ مِّنْ أَلْمَانِيَا!

(٢) هُوَ لَاءِ الدَّرَرِ جَمِيلَةٌ!

(٣) هَذَانِ الطِّفْلَانِ ضَاحِكَانِ!

(٤) تِلْكَ بِنْتُ ذَكِيَّةٍ!

«بِنْتُ» گزینۀ «٢» الدَّرَرِ (جمع مکسر «الدَّرَر»: مروارید)، جمع غیرعاقل است و برای آن باید از اسم اشاره مفرد مؤنث استفاده کنیم: هذه الدَّرَرُ!

٥- ادوات استفهام

ادوات استفهام همان کلمات پرسشی هستند که برای پرسش از چیزی استفاده می‌شوند. مهم‌ترین ادوات پرسشی به همراه توضیحات در جدول زیر آمده است.

ادوات استفهام	معنی	توضیح	مثال
أ / هَلْ	آیا؟	◀ برخلاف بقیۀ ادوات استفهام که اسم هستند، این دو «حرف» اند. ◀ در جواب آن‌ها از «لا» و «نعم» استفاده می‌شود.	- أ سَمِعْتَ مَا قُلْتَهُ لِي؟: آیا آن چه را که به تو گفتم شنیدی؟ - هَلْ تُسَاعِدُنِي فِي عَمَلِي هَذَا؟: آیا در این کارم به من کمک می‌کنی؟
مَنْ	چه کسی؟ چه کسانی؟	برای پرسش از انسان به کار می‌رود.	- مَنْ يُرَافِقُكُمْ فِي هَذَا السَّفَرِ؟: چه کسی در این سفر شما را همراهی می‌کند؟
مَا / مَاذَا	چه؟ چه چیز؟ چه چیزهایی؟ چیست؟	برای پرسش از غیر انسان به کار می‌رود.	- مَا هِيَ أَهْدَاؤُكَ لِلْمُسْتَقْبَلِ؟: اهدافت برای آینده چیست؟
لِمَا / لِمَ	برای چه؟	◀ برای سؤال از علت کاری به کار می‌رود. ◀ «لِمَ» مخفف «لِما» است.	- لِمَ (= لِمَا) تُسَاعِدُ الْآخَرِينَ؟: چرا به دیگران کمک می‌کنی؟
بِمَ	با چه چیز؟	«بِمَ» در اصل همان «بِما» است که مخفف شده است.	- بِمَ تَذْهَبُ إِلَى مَدْرَسَتِكَ؟: با چه چیز به مدرسه‌ات می‌روی؟
أَيْنَ	کجا؟	برای پرسش از جا و مکان به کار می‌رود.	- أَيْنَ وَضَعْتَ الْمَفَاتِيحَ؟: کلیدها را کجا گذاشتی؟
مَتَى	چه وقت؟ کی؟	برای پرسش از زمان وقوع فعلی به کار می‌رود.	- مَتَى تَنْتَهِي مِنَ عَمَلِكَ؟: کی کارت را تمام می‌کنی؟
كَيْفَ	چگونه؟ چه‌طور؟	برای پرسش از حال کسی یا چیزی و چگونگی وقوع فعل به کار می‌رود.	- كَيْفَ الْجَوُّ فِي مَدِينَتِكُمْ؟: هوا در شهر شما چگونه است؟
أَيَّ	کدام؟	برای پرسش از چیزی یا کسی به کار می‌رود.	- أَيَّ مِهْنَةٍ تُحِبُّ؟: کدام شغل (چه شغلی) را دوست داری؟
كَمْ	چند؟ چه مقدار؟ چه قدر؟	برای پرسش از مقدار و اندازه یک چیز به کار می‌رود.	- كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ طَهْرَانَ إِلَى قُمْ؟: فاصله از تهران تا قم چه قدر است؟
لِمَنْ	برای کیست؟ برای چه کسی؟ مال کیست؟	برای پرسش از مالکیت به کار می‌رود.	- لِمَنْ هَذَا الْجَوَّالِ؟: این موبایل مال کیست؟



حروف اصلی: حروف اصلی حروفی هستند که اساس یک فعل یا اسم را تشکیل می‌دهند و در تمامی صیغه‌ها یا واژه‌های هم‌خانواده آن وجود دارند. به حروف اصلی فعل، «ریشه» یا «مادّه فعل» هم می‌گویند. بسیاری از کلمه‌ها در زبان عربی دارای سه حرف اصلی هستند. به عنوان مثال در کلمات «عَرَفْتُمْ، نَعْرِفُ، نَعْرِفُوا، يُعْرِفَانِ، تَعْرِفُ، عَارِفٌ، مَعْرُوفٌ، عُرْفَاءٌ، مَعَارِفٌ» سه حرف «ع ر ف» که در همه آن‌ها مشترک بوده و به ترتیب تکرار شده‌اند، حروف اصلی هستند. و یا در کلمات «عَمِلْتُمْ، عَمِلْتُمْ، عَمِلُوا، يَتَعَمَلُونَ، اسْتَعْمَلْنَا، عَمَلٌ، مَعْمُولٌ، عَوَامِلٌ و ...» سه حرف «ع م ل» حروف اصلی می‌باشند. به حروفی که در کلمه جزء حروف اصلی نیستند، حروف زائد می‌گویند.

تشخیص حروف اصلی یا ریشه کلمه بسیار ضروری است و به شناخت درست وزن یک فعل و یا اسم کمک می‌کند. **روش پیدا کردن وزن کلمه:** بیشتر کلمات در عربی وزن دارند. برای به دست آوردن وزن یک کلمه به جای حروف اصلی آن، به ترتیب سه حرف «ف ع ل» را می‌گذاریم و بقیه حروف و حرکات همان‌گونه که هستند می‌آیند.

مثال: يَنْصُرُونَ ← يُفْعَلُونَ / مَنْصُور ← مَفْعُول / عُلَمَاء ← فُعَلَاء / تَتَعَلَّمُونَ ← تَتَفَعَّلُونَ

۷- آشنایی با صیغه‌ها و ضمائر

همان‌طور که می‌دانید در زبان عربی، مذکر و مؤنث و هم‌چنین مثنی وجود دارد و این باعث شده است تعداد صیغه‌های (ساخت‌های) عربی بسیار بیشتر از فارسی باشد. در جدول زیر صیغه‌های عربی به همراه ضمائر آن‌ها آورده شده است:

نام صیغه	نام صیغه به عربی	ضمیر منفصل	ضمیر متصل
اول شخص مفرد	متکلمم وحده	أنا: من (مرد یا زن)	ـي
دوم شخص مفرد	مفرد مذکر مخاطب	أنت: تو (یک مرد)	ـك
	مفرد مؤنث مخاطب	أنت: تو (یک زن)	ـكِ
سوم شخص مفرد	مفرد مذکر غایب	هو: او (یک مرد)	ـه
	مفرد مؤنث غایب	هي: او (یک زن)	ـها
اول شخص جمع	متکلمم مع الغير	نحن: ما (بیشتر از یک نفر، مرد یا زن)	ـنا
دوم شخص جمع	مثنای مذکر مخاطب	أنتما: شما (دو مرد)	ـكما
	مثنای مؤنث مخاطب	أنتما: شما (دو زن)	ـكما
	جمع مذکر مخاطب	أنتم: شما (چند مرد)	ـكم
	جمع مؤنث مخاطب	أنتن: شما (چند زن)	ـكنن
سوم شخص جمع	مثنای مذکر غایب	هما: آن‌ها (دو مرد)	ـهما
	مثنای مؤنث غایب	هما: آن‌ها (دو زن)	ـهما
	جمع مذکر غایب	هم: آن‌ها (چند مرد)	ـهم
	جمع مؤنث غایب	هن: آن‌ها (چند زن)	ـهنن

غایب، مخاطب و متکلمم در عربی به ترتیب معادل «سوم شخص»، «دوم شخص» و «اول شخص» در زبان فارسی است.

فعل ماضی

فعل ماضی فعلی است که در زمان گذشته انجام شده یا به وقوع پیوسته است. در زبان عربی هر فعلی ریشه‌ای دارد که به آن، حروف اصلی می‌گویند. این حروف در تمام صیغه‌ها وجود دارند و برای ساختن صیغه‌های مختلف در فعل ماضی، نشانه یا علامتی به انتهایشان اضافه می‌شود. **نکته** به حرف اصلی اول «فاءالفعل»، به حرف اصلی دوم «عینالفعل» و به حرف اصلی سوم «لامالفعل» می‌گویند. در جدول زیر ساختار و شکل ثابت ۱۴ صیغه فعل ماضی به همراه مثال آورده شده است.

نام صیغه	ضمیر منفصل	ساختار فعل ماضی	مثال
للمتکلم وحده (متکلم وحده)	أنا	ـَـتْ	ذَهَبْتُ (رفتم)
للمخاطب (مفرد مذکر مخاطب)	أنت	ـَـتِ	ذَهَبْتِ (رفت)
للمخاطبة (مفرد مؤنث مخاطب)	أنتِ	ـَـتِ	ذَهَبْتِ (رفت)
للفاع (مفرد مذکر غایب)	هو	ـَـ	ذَهَبَ (رفت)
للفاعبة (مفرد مؤنث غایب)	هي	ـَـتْ	ذَهَبَتْ (رفت)
للمتکلم مع الغير (متکلم مع الغير)	نحن	ـَـنا	ذَهَبْنَا (رفتیم)
للمخاطبين (مثنای مذکر مخاطب)	أنثما	ـَـتُما	ذَهَبْتُما (رفتید)
للمخاطبتين (مثنای مؤنث مخاطب)	أنثما	ـَـتُما	ذَهَبْتُما (رفتید)
للمخاطبين (جمع مذکر مخاطب)	أنتم	ـَـتُم	ذَهَبْتُم (رفتید)
للمخاطبات (جمع مؤنث مخاطب)	أنتن	ـَـتُن	ذَهَبْتُن (رفتید)
للفاعين (مثنای مذکر غایب)	هُما	ـَـا	ذَهَبَا (رفتند)
للفاعيتين (مثنای مؤنث غایب)	هُما	ـَـتا	ذَهَبَتَا (رفتند)
للفاعين (جمع مذکر غایب)	هُم	ـَـوا	ذَهَبُوا (رفتند)
للفاعيات (جمع مؤنث غایب)	هُنَّ	ـَـن	ذَهَبْنَ (رفتند)

از صیغه «للفاعيات» به بعد، لامالفعل در فعل ماضی همواره ساکن است.

در صیغه‌های مخاطب، انتهای فعل‌ها با انتهای ضمیرشان یک شکل است: أَنْتَ ذَهَبْتَ / أَنْثُما ذَهَبْتُما / ...

حرکت عینالفعل (حرف اصلی دوم) در فعل‌های ماضی مختلف به صورت‌های متفاوت می‌آید؛ مثال: جَلَسَ - عَلِمَ - قَرَّبَ.

شیوه منفی کردن فعل ماضی

فعل ماضی با «ما» منفی می‌شود؛ مثال: ضَجَّكُنَا (خندیدیم) ← ما ضَجَّكُنَا (نخندیدیم).

فعل مضارع

فعل مضارع فعلی است که دلالت بر انجام کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دارد. برای ساخت صیغه‌های مختلف مضارع، نشانه یا علامتی به ابتدا و انتهای حروف اصلی اضافه می‌شود.

الكلمات المتبادلة

مَرء = إنسان (انسان)	شُرور = فَرَح (شادی)	بَصَر = عَین (چشم، دیده)
مُجْتَهَد = مُجِدّ = ساعی (کوشا)	صَارَتْ = أَصْبَحَتْ (شد، گردید)	جَذْوَةٌ = شَرَزَةٌ (پاره آتش)
نور = ضیاء (روشنایی، نور)	عُدوان = عَدَاوَة (دشمنی)	خُسْران = صُرَّر (زیان، ضرر)
سَاعَدَ = نَصَرَ (یاری کرد)	عَیْم = سَحَاب (ابر)	ذات = صَاحِبَة (صاحب، دارا)
	فَائِز = نَاجِح (موفق، پیروز)	زَقَدَ = نام (خوابید)

الكلمات المتضادة

كَثِير (زیاد) ≠ قَلِيل (کم)	زَرَع (کاشت) ≠ حَصَدَ (درو کرد)	أَرْض (زمین) ≠ سَمَاء (آسمان)
لَيْل (شب) ≠ نَهَار (روز)	صَبَاح (صبح) ≠ لَيْل (شب)	أَرَادِل (فرومایگان) ≠ أَفَاضِل (شایستگان)
مَمْنوع (ممنوع) ≠ مَسْمُوح (مجاز)	ضیاء (روشنایی) ≠ ظَلَمَة (تاریکی)	أَبِیض (سفید) ≠ أَسْوَد (سیاه)
مُجْتَهَد (کوشا) ≠ كَسْلان (تنبل)	ضاحك (خندان) ≠ باكي (گریان)	إِشْأَل (بپرس) ≠ أَجِبْ (جواب بده)
نَهَايَة (پایان) ≠ بَدَايَة (آغاز)	عُدوان (دشمنی) ≠ صَدَاقَة (دوستی)	بَيْع (فروختن) ≠ شِراء (خریدن)
نَهَضَ (برخاست) ≠ جَلَسَ (نشست)	عَدُوّ (دشمن) ≠ صَدِيق (دوست)	تَعِيشُ (زندگی می کنی) ≠ تَمُوتُ (می میری)
يَسَار (چپ) ≠ يَمِين (راست)	غالي (گران) ≠ زَخِيف (ارزان)	حَقّ (حق) ≠ باطل (باطل)
يَنْفَعُ (سود می رساند) ≠ يَضُرُّ (ضرر می رساند)	عَدَا (فردا) ≠ أَمْسِ (دیروز)	حَزِين (ناراحت) ≠ مَسرور (شاد)
يُخْرِجُ (خارج می کند، درمی آورد) ≠ يُدْخِلُ (داخل می کند)	قَبِيح (زشت) ≠ جَمِيل (زیبا)	دُنیا (دنیا) ≠ آخِرَة (آخرت)
	قَرِيب (نزدیک) ≠ بَعِيد (دور)	ذَهَبَ (رفت) ≠ جَاءَ (آمد)
	قَصِير (کوتاه) ≠ طَوِيل (بلند)	رَاسِب (مردود) ≠ نَاجِح (موفق، قبول)

الجموع المتكسرة

أَحَادِيث ← حَدِيث (حدیث، سخن)	أَلْوَان ← لَوْن (رنگ)	أَبْوَاب ← بَاب (در)
أَحْجَار ← حَجَر (سنگ)	أَنْجُم ← نَجْم (ستاره)	أَحْجَار ← حَجَر (سنگ)
أَرَادِل ← أَرْدَل (بست تر، فرومایه تر)	أَنْعَم ← نِعْمَة (نعمت)	أَرَادِل ← أَرْدَل (بست تر، فرومایه تر)
أَصْدِقَاء ← صَدِيق (دوست)	أَيَّام ← يَوْم (روز)	أَصْدِقَاء ← صَدِيق (دوست)
أَفْضِل ← أَفْضَل (شایسته تر، برتر)	تَرَكَيب ← تَرْكِيب (ترکیب)	أَفْضِل ← أَفْضَل (شایسته تر، برتر)
أَفْعَال ← فِعْل (فعل، کار)	جِبَال ← جَبَل (کوه)	أَفْعَال ← فِعْل (فعل، کار)
	جَمَل ← جَمَلَة (جمله)	

برسش های چهارگزینه ای

واژگان

- ۱- عَيِّن الخَطَأَ في تَرْجَمَة اللُّغَاتِ الْمُعَيَّنَة:
- (۱) المؤمنون لا يئأسون من رحمة الله. ← ناامید نمی شوند
- (۳) عندما دخلت المديره، لا تجلسي على الكرسي. ← ننشین
- ۲- عَيِّن الصَّحِيحَ في تَرْجَمَة المَفْرَدَات:
- (۱) حَبَّة: دوست داشتن
- (۲) ذاك: این
- (۳) ذات: دارای
- (۴) قُل: گفت
- ۳- عَيِّن الخَطَأَ في تَرْجَمَة المَفْرَدَات:
- (۱) بطارية: باتری
- (۲) فريضة: واجب دینی
- (۳) مفتكرة: اندیشمند
- (۴) جذوة: جاذبه

٤- عَيِّن الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الكَلِمَاتِ المَعْيَنَةِ: ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الآخِرِينَ﴾

- (١) قرار داد - زبان راستگو - آيندگان
(٢) قرار بده - راستگويي زبان - ديگران
(٣) قرار بده - ياد نيکو - آيندگان
(٤) قرار داد - زبان نيکو - ديگران

٥- عَيِّن ما فِيهِ كَلِمَةٌ لا تُناسِبُ الأخرى فِي المَعْنَى:

- (١) غَيْمٌ - مَطَارٌ - سَحَابٌ - بَحَارٌ (٢) أَسْوَدٌ - أبيضٌ - أَحْمَرٌ - أَصْفَرٌ (٣) قمرٌ - شمسٌ - نَجْمٌ - كَوْكَبٌ (٤) حَبَّةٌ - شَجَرَةٌ - عُصْنٌ - وَرَقٌ

٦- عَيِّن الخَطَأَ حَسَبَ التَّوْضِيحَاتِ:

- (١) قِطْعَةٌ مِنَ التَّارِ ذاتُ حَرَارَةٍ و ضيَاءٍ. ← الجَدْوَةُ
(٢) هُمُ الَّذِينَ يَأْخُذُونَ الجَوَائِزَ الذَّهَبِيَّةَ فِي المَسَابِقَاتِ. ← الرابِسون
(٣) عُرْفَةٌ طَوِيلَةٌ كَبِيرَةٌ فِي المَطَارِ يَنْتَظِرُ فِيهَا المَسافِرُونَ. ← القَاعَةُ
(٤) عَضُوٌّ مِنَ أَعْضَاءِ الشَّجَرَةِ تَنمو أَوْراقُها عَلَيْهِ. ← العُصْنُ

٧- «هَلْ سافِرتَ إِلى إِيرانَ حَتَّى الآنَ؟ لا،!». عَيِّن المَناسِبَ لِلفَراغِ:

- (١) مَعَ الأَسْفِ (٢) إِلى اللِّقَاءِ (٣) مَعَ السَّلَامَةِ (٤) إِذْ شاءَ اللهُ

٨- عَيِّن المَناسِبَ لِلفَراغِ عَيْنِ: «إِنَّ القَمَرَ حَوْلَ الأَرْضِ و يَأْخُذُ مِنْ الشَّمْسِ!»

- (١) يَدورُ - ظِلَامٌ (٢) يَدورُ - ضيَاءٌ (٣) يَنْزِلُ - شَرَرَةٌ (٤) يَنْمو - خَضِرَةٌ

٩- عَيِّن العبارةَ الَّتِي عَدَدُ المَتضادَاتِ فِيها أَكثَرُ:

- (١) إِذا مَلَكَ الأَرادِلُ هَلَكَ الأَفاضِلُ!
(٢) مَن رَزَعَ العُدوانَ حَصَدَ الخُسْرانَ!
(٣) الكَلامُ كالأَدواءِ قَليلُهُ يَنْفَعُ و كَثيرُهُ قاتِلُ!
(٤) عداوَةُ العاقِلِ خَيْرٌ مِنَ صِداقَةِ الجاهِلِ!

١٠- عَيِّن الخَطَأَ عَن مُترادِفِ الكَلِمَاتِ المَعْيَنَةِ:

- (١) إِجْعَلَ هذِهِ الرِّجاجةَ فِي مَكانِها المَناسِبِ. ← صَغُ
(٢) الطالِبُ المُجْتَهِدُ يَنْجَحُ فِي امْتِحاناتِ آخِرِ السَّنَةِ. ← الساعِي
(٣) المَكتَبَةُ الرِّئيسِيَّةُ فِي نِهايَةِ هذِهِ الشَّارِعِ. ← بَدايَةُ
(٤) يَحْصُدُ الفَلّاحُ المَحْصولَ حَتَّى الشَّمْسِ المَسْتَعِرَّةِ. ← الزارِعُ

١١- عَيِّن الخَطَأَ فِي الكَلِمَاتِ المَتضادَةِ:

- (١) بَيْعٌ ≠ شِراءٌ (٢) قَبِيحٌ ≠ جَميلٌ (٣) بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ (٤) مُفْتَكِرَةٌ ≠ مُقْتَدِرَةٌ

١٢- عَيِّن الخَطَأَ فِي مُترادِفِ الكَلِمَاتِ:

- (١) أَصْواءُ الشَّمْسِ ذاتُ حَرارَةٍ. ← أنوارٌ
(٢) جَدْوَةُ الشَّمْسِ مُسْتَعِرَّةٌ. ← شَرَرَةٌ
(٣) إِنْتَشَرَ العَيْمُ فِي السَّماءِ. ← السَّحابُ
(٤) أَوْجَدَ العامِلُ فِي الأَرْضِ بئراً. ← حَفَرَ

١٣- عَيِّن الخَطَأَ عَن المُترادِفِ و المَتضادِ:

- (١) نَجْمٌ = كَوْكَبٌ (٢) شَقٌّ = جَهَزٌ (٣) رَخيصٌ ≠ غاليٌ (٤) يَسارٌ ≠ يَمينٌ

١٤- أَيُّ عِبارَةٍ لا تُشتمِلُ عَلى الجَمعِ المُكسَّرِ؟

- (١) نَحْنُ اليَوْمَ قَراناً عَفارِبَ السَّاعاتِ بِالعَرَبِيَّةِ!
(٢) أولئك الصالحون يجتمعون في المسجد لعباداتهم!
(٣) أنظروا إلى تلك الدرر الجميلة في الليل!
(٤) هذا الشاعر عراقي وله آثار رائعة في النثر والشعر!

١٥- عَيِّن الخَطَأَ حَوْلَ مُفردِ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

- (١) أنعم: نعم (٢) أنجم: نجم (٣) أحجار: حجر (٤) أمطار: مطر

١٦- عَيِّن الصَّحِيحَ حَوْلَ الكَلِمَةِ الَّتِي أُشيرَ إِلَيْها بِخَطٍّ: «مَن رَزَعَ العُدوانَ حَصَدَ الخُسْرانَ!»

- (١) مُرادِفُهُ «عداوة» (٢) جَمَعُهُ «أعداء» (٣) مُفردُهُ «عدو» (٤) مُضادُّهُ «أصدقاء»



١٧- «اعْمَلْ لِدُنْياكَ كَأَنَّكَ تَعيشُ أبداً و اعمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَموتُ عَداً!»:

- (١) برای دنياي خود به گونه‌ای تلاش کن که همواره زنده بمانی و برای آخرت به گونه‌ای کار کن که فردا شاید بمیری!
(٢) برای دنيايت چنان کار می‌کنی که همیشه زنده بمانی و برای سراي آخرت چنان کار می‌کنی که فردا می‌میری!
(٣) برای دنياي خود به گونه‌ای تلاش کن گویی تا ابد زنده می‌مانی و برای آخرت چنان تلاش کن که فردا خواهی مُرد!
(٤) برای دنيايت چنان کار کن که گویی همیشه زندگی می‌کنی و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا می‌میری!

١٨- «إِنَّها نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ و صارتَ شَجَرَةً خَضراءَ ذاتِ فواكِهَ كَثيرَةٍ!»:

- (١) آن از دانه کوچکی رشد کرد و درختی سرسبز و دارای میوه‌هایی فراوان شد!
(٢) آن از دانه‌های کوچک رشد کرد و تبدیل به درخت شادابی شد که میوه‌هایی فراوان داشت!
(٣) بدون شک آن هسته کوچکی رشد می‌کند و درختی سرسبز با دانه‌هایی فراوان به وجود می‌آورد!
(٤) قطعاً از دانه کوچکی رشد می‌کند و دارای میوه فراوان و درختی سرسبز می‌گردد!

- ۱۹- «في المطار قد كتبوا على لوحه كبيرة: أدخلوا من اليمين و اخرجوا من اليسار!»:
- ۱) در فرودگاه روی یک تابلوی بزرگ نوشته‌اند: از راست وارد شوید و از چپ خارج شوید!
 - ۲) در فرودگاه روی تابلویی بزرگ می‌نوشتند: از راست وارد شده و از چپ خارج می‌شوید!
 - ۳) در موزه روی یک تابلوی بزرگ نوشتند: از چپ وارد شوید و از راست خارج شوید!
 - ۴) بر روی یک تابلوی بزرگ در یک ایستگاه نوشته‌اند: از راست وارد شوید و از چپ خارج شوید!
- ۲۰- «ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ فِي السَّمَاءِ الشَّمْسَ مِثْلَ الشَّرَرَةِ وَ أَوْجَدَ فِي اللَّيْلِ قَمَرَةً!»:
- ۱) آن همان خدایی است که خورشید را در آسمان همچون آتش و ماه را در شب به وجود آورد!
 - ۲) این همان خداوندی است که در آسمان خورشید را مانند پاره آتش و در شب ماهش را قرار داد!
 - ۳) آن همان خدایی است که در آسمان خورشید را همچون پاره آتش آفرید و در شب ماهش را پدید آورد!
 - ۴) او همان پروردگاری است که آفرید در آسمان شعله آتش را و در شب ماه را پدید آورد!
- ۲۱- «أَعْلَنَ الْمَدِيرُ: سَاعَةَ الدَّخُولِ إِلَى الشَّرَكَةِ تَكُونُ السَّابِعَةَ إِلَّا زُبْعًا وَ النُّجُوجَ مِنْهَا الثَّلَاثَةَ وَ الرَّبْعَ!»: مدير اعلام کرد:
- ۱) ساعت ورود به شرکت هفت و ربع و خروج از آن یک ربع به سه است!
 - ۲) ساعت ورود به شرکت یک ربع به هفت و خروج از آن سه و ربع می‌باشد!
 - ۳) ساعت حضور در شرکت هفت و چهل و پنج دقیقه و خروج از آن سه و ربع است!
 - ۴) ساعت وارد شدن به شرکت یک ربع به هفت و خروج از آن یک ربع به سه است!
- ۲۲- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاةِ النَّاسِ وَ صَوْمِهِمْ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ!»:
- ۱) به نماز زیاد مردم و روزه‌شان ننگرید ولی به گفتار درست و به جای آوردن امانت آن‌ها بنگرید!
 - ۲) به فراوانی نماز و روزه‌ایشان نگاه نکنید بلکه راست‌کرداری و امانتداری آن‌ها را ببینید!
 - ۳) زیادی نماز و روزه مردم را نمی‌بینید ولی زیادی راستگویی و درستکاری را می‌بینید!
 - ۴) به فراوانی نماز مردم و روزه‌شان نگاه نکنید بلکه به راستی گفتار و امانتداری نگاه کنید!
- ۲۳- «جَذْوَةُ الشَّمْسِ مُسْتَعْرَجَةٌ وَ ضِيَاؤُهَا وَ حَرَارَتُهَا مُنْتَشِرَةٌ أَيْضًا!»:
- ۱) شعله‌های آتش خورشید، فروزان و شراره و حرارتش پخش و پراکنده است!
 - ۲) پاره آتش خورشید فروزان است و روشنایی آن و گرمایش هم پراکنده است!
 - ۳) شراره‌های خورشید درخشان است و نورها و گرمایش هم پراکنده می‌گردد!
 - ۴) شراره خورشید درخشان است و روشنایی و گرمایش پخش شده است!
- ۲۴- «قُلْ لِلْمَرِيضِ أَنْ يَأْكُلَ دَوَاءَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي هَذِهِ السَّاعَاتِ: السَّابِعَةَ إِلَّا رُبْعًا، الثَّلَاثَةَ وَ النِّصْفَ وَ الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ وَ الرَّبْعَ!»:
- ۱) به بیمار گفت دارویش را سه بار در این ساعت‌ها بخورد: هفت و ربع، سه و نیم و یازده و ربع!
 - ۲) به مریض بگو دارویش را سه بار در این ساعت‌ها بخورد: یک ربع به هفت، سه و نیم و یازده و ربع!
 - ۳) به بیمار بگو دارویش را سومین بار در این ساعت بخورند: یک ربع به هفت، دو و نیم و یک ربع به یازده!
 - ۴) به مریض بگو دارو را دفعه سوم در این ساعت بخورد: شش و چهل و پنج دقیقه، سه و نیم و ده و چهل و پنج دقیقه!
- ۲۵- «زَانَ اللَّهُ الْعَصُونَ النَّصْرَةَ لِأَشْجَارِ حَقِيقَتِنَا بِالْأَزْهَارِ الْحَمْرَاءِ فِي هَذِهِ السَّنَةِ!»:
- ۱) در این سال خداوند شاخه‌های سرسبز درختان باغچه ما را با گل‌های قرمز زینت می‌دهد!
 - ۲) خداوند امسال شاخه‌های درخت تروتازه باغمان را با گل‌های قرمز مزین کرد!
 - ۳) خداوند شاخه‌های سرسبز درختان این باغ را با گل‌های قرمز زینت داد!
 - ۴) خداوند امسال شاخه‌های تروتازه درختان باغمان را با گل‌های قرمز زینت داد!
- ۲۶- «تَشَقَّى الْحَبَّةُ الَّتِي تَزْرَعُهَا الْأَرْضُ وَ تَخْرُجُ مِنْهَا لِتُصْبِحَ نَبَاتًا أَخْضَرًا!»:
- ۱) دانه‌ای که آن را می‌کاریم، زمین را می‌شکافد و از آن خارج می‌شود تا گیاه سبزی شود!
 - ۲) دانه‌ای که آن را کاشتیم، زمین را شکافت و از آن خارج شد تا گیاه سبزی شود!
 - ۳) دانه‌هایی را که زمین را می‌شکافند، می‌کاریم تا با خارج شدن از آن گیاهانی سرسبز شوند!
 - ۴) دانه‌ای که در زمین می‌کاریم، آن را می‌شکافد و از آن خارج می‌شود تا به گیاهی تروتازه تبدیل شود!
- ۲۷- «قَدْ أَوْجَدَ اللَّهُ الْقَمَرَ وَ الْكَوَاكِبَ لِيُخْرِجَ الْأَرْضَ مِنَ الظُّلْمَةِ عِنْدَ اللَّيْلِ!»:
- ۱) خداوند ماه و ستارگان را پدید آورده است تا زمین را در هنگام شب از تاریکی بیرون آورد!
 - ۲) خداوند ماه و ستاره را به وجود آورد تا تاریکی زمین را به هنگام شب از بین ببرد!
 - ۳) ماه و ستارگان به دستور خدا به وجود آمده‌اند تا زمین را از تاریکی‌های شب خارج کنند!
 - ۴) خدا کسی است که ماه و ستاره‌ها را به وجود می‌آورد تا زمین را از تاریکی‌های شب درآورد!

۲۸- «جَهَزْتُ أَمْرِيكَ بِعَضِّ الْبُلْدَانِ بِأَسْلِحَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحَةٍ بِسَبَبِ الْعُدْوَانِ عَلَيَّ إِيرَانَ!»:

- ۱) آمریکا برخی کشورها را به سلاح‌هایی ممنوعه مجهز کرد تا علیه ایران دشمنی کند!
- ۲) آمریکا به علت دشمنی با ایران، تجهیزات سلاح‌های غیرمجاز برخی کشورها را افزود!
- ۳) آمریکا به سبب دشمنی کردن علیه ایران، برخی کشورها را به سلاح‌هایی غیرمجاز مجهز کرد!
- ۴) آمریکا به خاطر دشمن بودن با ایران سلاح‌های غیرمجاز برخی کشورها را مجهز می‌کند!

۲۹- «إِشْتَدَّتْ الرِّيحُ فِي ثَلَاثِ مَحَافِظَاتٍ جَنُوبِيَّةٍ وَ زَادَتْ عَلَيَّ اغْبِرَارَ مَدْنِيهَا!»:

- ۱) با شدت گرفتن باد در سه استان جنوبی بر غبارآلودگی هوای شهرها افزوده شد!
- ۲) باد در سه استان جنوبی شدت گرفت و بر غبارآلودگی شهرهای آن افزود!
- ۳) باد در سه استان جنوبی شدت می‌گیرد و بر غبارهای شهرهای آن افزوده می‌شود!
- ۴) در سه شهرستان جنوبی کشور، باد شدت گرفت و سپس تیره‌رنگی شهرهای آن افزایش یافت!

۳۰- «تَبَحُّ قَدْرَةُ الْبَشَرِ الْمُفْتَكِرَةَ عَنِ طُرُقٍ لَيَسْتَفْتِغَ بِالنَّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ بِأَحْسَنِ صُورَةٍ مِنَ الْمَاضِي حَتَّى الْآنَ!»:

- ۱) قدرت اندیشمند انسان از گذشته تا اکنون به دنبال راه‌هایی می‌گردد تا از نعمت‌های الهی به بهترین شکل بهره‌مند شود!
- ۲) قدرت متفکرانه بشر از گذشته تا حال به دنبال کشف راهی است تا از نعمت‌های خدا به بهترین شکل سود ببرد!
- ۳) انسان با نیروی اندیشمند خود از گذشته تا الآن به دنبال راه‌هایی می‌گردد تا به صورت خوبی از نعمت‌های خدا استفاده کند!
- ۴) انسان با قدرت خود و اندیشه‌اش در گذشته راه‌هایی می‌یافت تا از نعمت‌های الهی به بهترین شکل بهره‌مند شود!

۳۱- «مَا نَجَحَ الرِّيَاضِيُّ فِي الْمَسَابِقَةِ فَقَبِلَ أَرْضَ الْمَلْعَبِ، ثُمَّ تَرَكَهُ بِدُمُوعٍ مِنْهُمْرَةً!»:

- ۱) ورزشکار در مسابقه پیروز نشد، پس در زمین ورزشگاه آن را پذیرفت، سپس با اشک‌هایی ریزان آن را ترک کرد!
- ۲) ورزشکار که در مسابقه برنده نشده بود، زمین بازی را بوسید، سپس آن جا را با اشک‌های ریخته شده ترک نمود!
- ۳) ورزشکار در مسابقه پیروز نشد، پس زمین ورزشگاه را بوسید، سپس با اشک‌هایی ریزان آن را ترک کرد!
- ۴) ورزشکار در آن مسابقه برنده نشد، پس آن را در زمین پذیرفت و با اشک‌هایی که می‌ریخت، آن جا را ترک کرد!

۳۲- «تَدَوُّوْا الْأَرْضَ عَلَيَّ شَكْلَيْنِ: دَوْرَانِهَا حَوْلَ نَفْسِهَا لِمَدَّةِ يَوْمٍ كَامِلٍ وَ دَوْرَانِهَا حَوْلَ الشَّمْسِ لِمَدَّةِ سَنَةٍ كَامِلَةٍ!»:

- ۱) زمین به چند صورت می‌چرخد: چرخش آن پیرامون خویش که یک روز طول می‌کشد و چرخش آن به دور خورشید که یک سال طول می‌کشد!
- ۲) زمین به دو شکل می‌چرخد: چرخش آن پیرامون خودش به مدت یک روز کامل و چرخش پیرامون خورشید به مدت یک سال کامل!
- ۳) چرخش زمین به دو شکل است: یک دور به مدت یک روز کامل پیرامون خود می‌چرخد و یک دور به مدت یک سال کامل پیرامون خورشید می‌چرخد!

- ۴) زمین دو دور می‌چرخد: چرخش در اطراف خودش که یک روز کامل است و چرخش در اطراف خورشید که یک سال کامل است!

(ریاضی ۹۴ - با کمی تغییر)

۳۳- «كَانَ أَبَاؤُنَا يُؤَكِّدُونَ دَائِمًا أَنَّ طَرِيقَ الْوَصُولِ إِلَى الْعِزَّةِ هُوَ الْإِحْسَانُ فِي حَقِّ النَّاسِ!»:

- ۱) تأکید پدران ما همیشه این بوده است که طریق دستیابی بر بزرگی، احسان کردن به مردم است!
- ۲) سفارش نیاکان ما تأکید بر این بوده که راه حصول به بزرگی‌ها، خوبی کردن در حق ناس است!
- ۳) پدران ما همواره تأکید می‌کردند که راه رسیدن به بزرگی، نیکی کردن در حق مردم است!
- ۴) نیاکان ما دائماً سفارش می‌کنند که طریق رسیدن به بزرگی‌ها، احسان در حق الناس است!

(ریاضی ۹۴ - با کمی تغییر)

۳۴- «الْفُرْصَةُ الذَّهَبِيَّةُ تَحْصُلُ لِجَمِيعِ النَّاسِ، وَلَكِنَّ التَّاجِحِينَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَفِيدُونَهَا!»:

- ۱) فرصت‌هایی طلایی وجود دارد که برای همه مردم پیش می‌آید، ولی تنها پیروزمندان هستند که موفق به استفاده آن‌ها می‌شوند!
- ۲) فرصت‌های طلایی برای تمامی مردم حاصل می‌گردد، ولی انسان‌های موفق همان کسانی هستند که از آن‌ها استفاده می‌کنند!
- ۳) فرصت‌های زرین برای همه انسان‌ها حاصل‌شدنی است، اما تنها افراد پیروز هستند که استفاده‌اش می‌کنند!
- ۴) برای تمامی مردمان فرصت‌های زرین به دست می‌آید، ولی فقط افراد موفق به بهره‌مندی از آن نایل می‌شوند!

(هنر ۹۰)

۳۵- «هُؤَلَاءُ شَاعِرَاتٌ وَلِهِنَّ أَشْعَارُ ذَاتِ عَاطِفَةٍ نَافِذَةٍ وَ شَعُورٌ عَمِيقٌ!»:

- ۱) این‌ها شعری هستند که اشعارشان دارای عاطفه‌ای نافذ و احساساتی عمیق است!
- ۲) اینان شاعر هستند و اشعاری دارند که عاطفه‌ای نافذ و احساسی عمیق دارد!
- ۳) این شاعران را اشعاری است با عاطفه تأثیرگذار و احساس عمیق!
- ۴) این شعرا اشعاری دارند با عواطف تأثیرگذار و احساسی عمیق!

۳۶- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴾: ای کسانی که ایمان آوردید برای چه می‌گویید آن‌چه را که انجام نمی‌دهید!
- ۲) ﴿ اعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾: کار نیک انجام دهید و من به آن‌چه می‌کنند دانا هستم!
- ۳) أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ: علم را حتی در چین بیاموزید، زیرا خواستن دانش واجب است!
- ۴) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ ثَمَرَاتٍ؟ آیا می‌دانی که خداوند از آسمان آبی را نازل کرد، پس به وسیله آن میوه‌هایی خارج شد؟

۳۷- عَيْنَ الْخَطَأِ:

- ۱) هُوَلاءِ الْأَعْدَاءِ هَجَمُوا عَلَى بِلَادِ مُسَلِمَةٍ وَ قَتَلُوا رِجَالَهَا! این‌ها دشمنانی هستند که به یک کشور مسلمان حمله کردند و مردانش را کشتند!
- ۲) إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ! به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند!
- ۳) الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ! سخن مانند داروست؛ اندک آن سود می‌رساند و زیادش کشنده است!
- ۴) مَنْ زَرَعَ الْغَدَوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ! هر کس دشمنی کاشت، زیان درو کرد!

۳۸- عَيْنَ الْخَطَأِ:

- ۱) تُغَيِّرُ حَرَارَةُ الْجَوِّ الْمِيَاءَ عَلَى سَطْحِ الْأَرْضِ إِلَى بَخَارَاتٍ تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ: حرارت جو، آب‌های روی سطح زمین را به بخارهایی تغییر می‌دهد که به سمت آسمان بالا می‌روند،
- ۲) فَتَتَشَكَّلُ الْغَيْومُ وَ تَتَحَرَّكُ فِي السَّمَاءِ وَ تَزِيدُ كَمِّيَّةَ أُخْرَى مِنْ بَخَارِ الْمَاءِ فِي الْغَيْومِ: پس ابرها را تشکیل می‌دهند و در آسمان به حرکت درمی‌آورند و مقدار دیگری از بخار آب در ابرها اضافه می‌شود،
- ۳) وَ بِالنَّاتِجَةِ يَزِيدُ حَجْمَ قَطْرَاتِ الْمَاءِ فِي الْغَيْومِ فَتَتَرَاكُمُ السُّحُبُ: و در نتیجه حجم قطره‌های آب در ابرها زیاد می‌شود و ابرها متراکم می‌شوند،
- ۴) ثُمَّ يَبْدَأُ الْمَطَرُ بِالنُّزُولِ إِلَى سَطْحِ الْأَرْضِ عَلَى شَكْلِ قَطْرَاتِ الْمَاءِ: سپس باران شروع به باریدن به شکل قطره‌های آب بر روی سطح زمین می‌کند!

۳۹- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) إِشْتَرَى الرَّجُلُ لَزَوْجَتِهِ خَاتَمًا فِيهِ الْأَحْجَارُ الْغَالِيَةُ! مرد برای همسرش انگشتری با سنگ ارزشمند خرید!
- ۲) إِنَّ اللَّهَ شَقَّ الْأَرْضَ تَحْتَ أَقْدَامِ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءً! خداوند زمین را در زیر پای اسماعیل علیه السلام شکافت و آب از آن بیرون آمد!
- ۳) صَارَ خَمْسَةَ طَلَّابٍ فِي مَدْرَسَتِنَا رَاسِبِينَ فِي السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ الْثَالِثَةِ! پنج دانش‌آموز در مدرسه ما در سال سوم تحصیلی مردود شدند!
- ۴) كَانَ طُلُوعُ الشَّمْسِ الْيَوْمَ فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا زُبْعًا! امروز طلوع خورشید در ساعت شش و ربع می‌باشد!

۴۰- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) إِذَا قَدَّرْتُ أَنْ تَرَحَّمَ عَلَيَّ مِنْ ظَلَمِكَ فَيَرْحَمُكَ اللَّهُ! اگر توانستی به کسی که به تو ستم می‌کند رحم کنی، پس خدا هم به تو رحم خواهد کرد!
- ۲) مَعَ انْتِشَارِ مَرَضٍ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ وَاجِهَ الْمَرَضَى قَلَّةَ الدَّوَاءِ! با انتشار یک بیماری در این شهر، بیماران با کمبود دارو مواجه شدند!
- ۳) لَا تَنْظُرُوا إِلَى مَا يَقُولُ بَلْ أَنْظُرُوا إِلَى مَا فَعَلَ مِنْ أَقْوَالِهِ! به چیزی که گفت ننگرید، بلکه به آن‌چه از گفته‌اش عمل می‌کند بنگرید!
- ۴) يَنْكَسِرُ نَوْرُ الشَّمْسِ بَعْدَ الْعُبُورِ مِنْ قَطْرَاتِ الْمَطَرِ ثُمَّ يُوجِدُ سَبْعَةَ أَلْوَانٍ! نور خورشید پس از عبور از قطره‌های باران می‌شکند و هفت رنگ پدید می‌آید!

(افتتاحی انسانی ۹۷)

۴۱- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) شَجَرَةٌ وَاحِدَةٌ إِذَا سَقَطَتْ عَلَى الْأَرْضِ يَشْعُرُ بِهَا النَّاسُ كُلَّهُمْ: درخت وقتی بر زمین می‌افتد همگی مردم آن را احساس می‌کنند،
- ۲) وَلَكِنْ عِنْدَمَا تَنْمُو غَابَةٌ كَبِيرَةٌ لَا يَشْعُرُ بِهَا أَحَدٌ: ولی هنگامی که جنگل بزرگ رشد کرده باشد هیچ کس آن را احساس نمی‌کند،
- ۳) هَكَذَا أَغْلَبَ النَّاسُ لَا يَشْعُرُونَ بِنَمُوكِ: غالب مردم این چنین هستند، رشدت را احساس نمی‌کنند،
- ۴) دَقَّتْهُمْ إِلَى سَقُوطِكَ أَكْثَرَ، فَرَأَيْتَ! به افتادنت بیشتر دقت می‌کنند، پس مراقب خود باش!

(ریاضی ۹۷ - با کمی تغییر)

۴۲- عَيْنَ الْخَطَأِ:

- ۱) بَعْضُ الْأَحْيَانِ أَنْتَ فِي حَالَةِ الْإِبْتِعَادِ عَنِ اللَّهِ: بعضی وقت‌ها تو در حال دور شدن از خدا هستی،
- ۲) وَ لَا تَرَى عَيْنَاكَ مِنَ اللَّهِ أَثْرًا: و چشمانت نشانه‌ای از خدا نمی‌بیند،
- ۳) فَجَاءَتْ تَحْدِثُ وَاقِعَةً صَغِيرَةً وَ تَرْجِعُ إِلَيْهِ: ناگهان اتفاق کوچکی می‌افتد و به سوی او برمی‌گردد،
- ۴) هَذِهِ يَدُ اللَّهِ الَّتِي تَرِيدُ أَنْ تُنْقِذَكَ! این دست خداست که می‌خواهد تو نجات پیدا کنی!

۴۳- «دَانَةُ كُوجِكِي دَر بَاغِچِه بَه آرَامِي دَر زَبَرِ نُورِ خُورْشِيدِ فُرُوزَانِ رِشْدِ كُردِ وَ گلِ زَبِيَابِي شُدَا!»:

- ۱) الْحَبَّةُ الصَّغِيرَةُ فِي حَدِيقَةٍ نَمَتْ بِهَدْوٍ فَهِيَ تَحْتَ الْأَضْوَاءِ الْمُسْتَعْرَةِ لِلشَّمْسِ وَ صَارَ وَرْدَةٌ جَمِيلَةٌ!
- ۲) نَمَتْ حَبَّةٌ صَغِيرَةٌ فِي الْحَدِيقَةِ بِهَدْوٍ تَحْتَ ضَوْءِ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةِ وَ صَارَتْ وَرْدَةٌ جَمِيلَةٌ!
- ۳) تَنْمُو حَبَّةٌ فِي حَدِيقَةٍ صَغِيرَةٍ أَمَامَ أَضْوَاءِ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةِ وَ صَارَتْ وَرْدَةٌ جَمِيلَةٌ!
- ۴) تَنْمُو حَبَّةٌ صَغِيرَةٌ فِي الْحَدِيقَةِ تَحْتَ أَضْوَاءِ الْمُسْتَعْرَةِ مِنَ الشَّمْسِ وَ صَبَّرَتْهَا وَرْدَةٌ جَمِيلَةٌ!



پاخنامہ
تشریحی



۱- **گزینه ۲** ترجمه درست «ابر» («الغیم» مفرد است).

ترجمه گزینه ۱: مؤمنان از رحمت خدا ناامید نمی‌شوند. /
گزینه ۲: ماه در آسمان پشت ابر باقی نمی‌ماند. /
گزینه ۳: هنگامی که مدیر وارد شد، روی صندلی ننشین. /
گزینه ۴: این دو راهنما روبه‌روی در موزه ایستاده‌اند.

۲- **گزینه ۳** ترجمه درست سایر گزینه‌ها /
گزینه ۱: دانه /
گزینه ۲: آن /
گزینه ۴: بگو

۳- **گزینه ۴** ترجمه درست «پاره آتش»

۴- **گزینه ۳** ترجمه عبارت «برای من یاد نیکو در [میان] آیندگان قرار بده.»

۵- **گزینه ۱** ترجمه گزینه ۱: ابر - فرودگاه - ابر - بخار /
گزینه ۲: سیاه - سفید - قرمز - زرد /
گزینه ۳: ماه - خورشید - ستاره - ستاره /
گزینه ۴: دانه - درخت - شاخه - برگ

۶- **گزینه ۲** ترجمه گزینه ۱: تکه‌ای از آتش دارای حرارت و روشنایی /
پاره آتش /
گزینه ۲: آن‌ها کسانی هستند که جوایز طلایی را در مسابقات می‌گیرند. /
مردودشدگان /
گزینه ۳: اتفاقی طولانی و بزرگ در فرودگاه که مسافران در آن منتظر می‌مانند. /
سالن /
گزینه ۴: عضوی از اجزای درخت که برگ‌هایش روی آن می‌روید. /
شاخه

۷- **گزینه ۱** ترجمه عبارت «آیا تا الان به ایران سفر کرده‌ای؟ نه، متأسفانه.»

ترجمه گزینه ۱: متأسفانه /
گزینه ۲: به امید دیدار /
گزینه ۳: به سلامت /
گزینه ۴: اگر خدا بخواهد

۸- **گزینه ۲** ترجمه عبارت «قطعاً ماه اطراف زمین می‌چرخد و روشنایی‌اش را از خورشید می‌گیرد.»

ترجمه گزینه ۱: می‌چرخد - تاریکی /
گزینه ۲: می‌چرخد - روشنایی /
گزینه ۳: پایین می‌آید - پاره آتش /
گزینه ۴: رشد می‌کند - سرسبز

۹- **گزینه ۴** در این گزینه «عداوة و صداقه» و «العاقِل و الجاهِل» متضاد هستند.

ترجمه گزینه ۱: «الأراذل» و «الأفاضل» در گزینه ۲ «زرع» و «حصد» و در گزینه ۳ «قلیل» و «کثیر» با هم متضاد هستند. /
ترجمه گزینه ۱: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی رسیدند (برسند)، شایستگان هلاک شدند (می‌شوند). /
گزینه ۲: هر کس دشمنی کاشت (بکارد)، زیان درو کرد (می‌کند). /
گزینه ۳: سخن مانند داروست، اندکش سود می‌رساند و بسیاریاش گشوده است. /
گزینه ۴: دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

۱۰- **گزینه ۳** در این گزینه «نهاییه» به معنای «پایان» و «بدایه» به معنی «آغاز، شروع» می‌باشد؛ بنابراین این دو واژه متضاد هستند نه مترادف.

ترجمه گزینه ۱: «إجْعَلْ» و «صَعْ» هر دو فعل امر و به معنای «قرار بده» می‌باشند. /
گزینه ۲: «المجتهد» و «الساعي» به معنای «تلاشگر، کوشا» هستند. /
گزینه ۴: «الفلاح» و «الزارع» هر دو به معنای «کشاورز» هستند.

ترجمه گزینه ۱: این شیشه را در جای مناسبش قرار بده. /
گزینه ۲: دانش‌آموز کوشا در امتحانات آخر سال موفق می‌شود. /
گزینه ۳: کتابخانه اصلی در انتهای این خیابان است. /
گزینه ۴: کشاورز محصول را زیر خورشید فروزان درو می‌کند.

۱۱- **گزینه ۴** ترجمه گزینه ۱: فروش ≠ خرید /
گزینه ۲: زشت ≠ زیبا /
گزینه ۳: دور ≠ نزدیک /
گزینه ۴: اندیشمند ≠ بااقتدار، توانمند

۱۲- **گزینه ۴** در این گزینه «أوجد» به معنای «پدید آورد» است و با کلمه «حفر» که به معنای «حفر کرد، کند» می‌باشد، مترادف نیست.

ترجمه گزینه ۱: نورهای خورشید دارای حرارت است. /
نورها /
گزینه ۲: پاره آتش خورشید، فروزان است. /
پاره آتش /
گزینه ۳: ابر در آسمان پراکنده شد. /
ابر /
گزینه ۴: کارگر در زمین چاهی را پدید آورد. /
کند

۱۳- **گزینه ۲** ترجمه گزینه ۱: ستاره = ستاره /
گزینه ۲: شکافت = مجهز کرد /
گزینه ۳: ارزان ≠ گران /
گزینه ۴: چپ ≠ راست

۱۴- **گزینه ۲** در این گزینه جمع مکتسر وجود ندارد. «الصالحون» جمع مذکر سالم و «عبادات» جمع مؤنث سالم است.

ترجمه گزینه ۱: در سایر گزینه‌ها به ترتیب «عقارب» جمع مکتسر «عقرب»، «الدُّزُر» جمع مکتسر «الدُّر» و «آثار» جمع مکتسر «أثر» است.

ترجمه گزینه ۱: ما امروز عقربه‌های ساعت را به عربی خواندیم. /
گزینه ۲: آن نیکوکاران برای عبادت‌هایشان در مسجد جمع می‌شوند. /
گزینه ۳: به آن مرواریدهای زیبا در شب نگاه کنید. /
گزینه ۴: این شاعر، عراقی است و آثار جالبی در نثر و شعر دارد.

۱۵- **گزینه ۱** «أنعم» و «نعم» هر دو به معنای «نعمت‌ها» و مفردشان «نعمه» است.

ترجمه گزینه ۱: نعمت‌ها: نعمت‌ها /
گزینه ۲: ستارگان: ستاره /
گزینه ۳: سنگ‌ها: سنگ /
گزینه ۴: باران‌ها: باران

۱۶- **گزینه ۱** ترجمه عبارت «هر کس دشمنی کاشت (بکارد)، زیان درو کرد (می‌کند).»

«عدوان و عداوة» هر دو به معنای «دشمنی» هستند و با هم مترادف‌اند و متضاد آن‌ها «صداقة» است.

۱۷- **گزینه ۴** ترجمه گزینه ۱: «إجْعَلْ»: کار کن (رد سایر گزینه‌ها) /
کأنّ: گویی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) /
لآخرتك: برای آخرت (رد گزینه‌های ۲ و ۳) /
کلمه «سرای» در گزینه ۲ نیز اضافی است. /
تموت: می‌میری، خواهی مرد (رد گزینه ۱)

نکته فعل مضارع را به صورت آینده هم می‌توان ترجمه کرد؛ بنابراین ترجمه «تموت» در گزینه ۳ به صورت آینده غلط نیست.

۱۸- **گزینه ۱** ترجمه گزینه ۱: نمت: رشد کرد؛ فعل ماضی ساده است. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) /
حَبَّه صَغِيرَة: دانه کوچکی، دانه‌ای کوچک (رد سایر گزینه‌ها) /
صارت: شد، گردید (رد گزینه‌های ۳ و ۴) /
خضراء: سرسبز (رد گزینه ۲) /
فواکه کثیرة: میوه‌هایی فراوان (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

- ۱۹- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: المَطَارُ: فرودگاه (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / قَدْ كَتَبُوا: نوشتند، نوشته‌اند (رد گزینه ۲) / أَدْخَلُوا: وارد شوید؛ فعل امر است. (رد گزینه ۲) / الیَمین: راست (رد گزینه ۳) / أخرجوا: خارج شوید؛ فعل امر است (رد گزینه ۲) / الیسار: چپ (رد گزینه ۳)
- ۲۰- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: ذَلِكَ: آن (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / الشَّمْسُ: خورشید (رد گزینه ۴) / الشَّرَّةُ: پاره آتش، زبانه آتش (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / خَلَقَ: آفرید، به وجود آورد (رد گزینه ۲) / أَوْجَدَ: به وجود آورد، پدید آورد (رد گزینه ۲) / قَمَرَه: ماهش (رد گزینه‌های ۱ و ۴)
- ۲۱- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: الدُّخُولُ: ورود، وارد شدن؛ مصدر فعل «دَخَلَ» است. (رد گزینه ۳) / السَّابِعَةُ إِلَّا زُبْعًا: یک ربع به هفت، شش و چهل و پنج دقیقه (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / الثَّلَاثَةُ والرُّبُعُ: سه و ربع (رد گزینه‌های ۱ و ۴)
- ۲۲- **گزینه ۴** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: لَا تَنْظُرُوا: نگاه نکنید؛ فعل نهی است. (رد گزینه ۳) / كَثْرَةُ صَلَاةِ: فراوانی نماز (رد گزینه ۱) / النَّاسُ: مردم (رد گزینه ۲) / صَوْمٌ: روزه؛ «صوم» مفرد است (رد گزینه ۲) / أَنْظُرُوا: بنگرید، نگاه کنید؛ فعل امر است. (رد گزینه ۳) / صِدْقُ الْحَدِيثِ: راستی گفتار، راستگویی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / أداء الأمانة: امانتداری (رد گزینه ۳)
- ۲۳- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: جَذْوَةٌ: پاره آتش، شراره؛ مفرد است. (رد گزینه ۳) / ضیاء: روشنائی، نور؛ مفرد است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / أَيْضًا: هم‌چنین، نیز (رد گزینه‌های ۱ و ۴)
- نکته** با توجه به آن‌که در جمله از هیچ فعلی استفاده نشده، در ترجمه آن از فعل ربطی «است» استفاده می‌کنیم (رد گزینه ۳).
- ۲۴- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: قُلْ: بگو؛ فعل امر است. (رد گزینه ۱) / المریض: بیمار؛ مفرد است نه جمع! (رد گزینه ۳) / أَنْ يَأْكُلَ: که بخورد (رد گزینه ۳) / دَوَاءٌ: دارویش؛ مفرد است. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: سه بار (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / السَّاعَاتُ: ساعت‌ها؛ جمع است. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعًا: یک ربع به هفت، شش و چهل و پنج دقیقه (رد گزینه ۱) / الثَّلَاثَةُ وَ النِّصْفُ: سه و نیم (رد گزینه ۳) / الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ وَ الرَّبْعَ: یازده و ربع (رد گزینه‌های ۳ و ۴)
- ۲۵- **گزینه ۴** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: زَانَ: زینت داد؛ فعل ماضی است (رد گزینه ۱) / النَّصْرَةُ: تروتازه (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / أَشْجَارٌ: درختان؛ جمع مکرر «شجرة» است. (رد گزینه ۲) / حَدِيقَتَنَا: باغمان (رد گزینه ۳) / الْحَمْرَاءُ: قرمز (رد گزینه ۳)
- توجه** «الْعُصُونُ النَّصْرَةُ» ترکیب وصفی است و «النَّصْرَةُ» صِفَتِ «الْعُصُونِ» است نه صفت برای «الأشجار». (رد گزینه ۲)
- ۲۶- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: تَشَقُّقٌ: می‌شکافد؛ فعل مضارع و مفرد است. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / الْحَبَّةُ: دانه؛ مفرد است نه جمع. (رد گزینه ۳) / الْحَبَّةُ الَّتِي نَزَرَعُهَا: دانه‌ای که آن را می‌کاریم (رد گزینه ۲) / تَشَقُّقٌ ... الأَرْضُ: زمین را می‌شکافد؛

- (رد سایر گزینه‌ها) / وَ تَخْرُجُ: و خارج می‌شود؛ فعل مضارع است و نباید به صورت ماضی یا مصدر ترجمه شود. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / نباتاً أَحْضَرَ: گیاهی سبز، گیاه سبزی (رد گزینه‌های ۳ و ۴)
- ۲۷- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: قَدْ أَوْجَدَ: پدید آورده است، به وجود آورد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / الكواكب: ستاره‌ها؛ جمع «الکوکب» است. (رد گزینه ۲) / لِيُخْرِجَ: تا بیرون آورد، تا خارج کند. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / مِنَ الظُّلْمَةِ: از تاریکی (رد سایر گزینه‌ها) / عِنْدَ اللَّيْلِ: هنگام شب (رد گزینه‌های ۳ و ۴)
- نکته** «قد + ماضی» معمولاً معادل ماضی نقلی در زبان فارسی است.
- ۲۸- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: جَهَّزْتُ: مجهز کرد (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / بسبب الغدوان: به خاطر دشمنی (رد گزینه ۱)
- ۲۹- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: اِسْتَدَّتْ: شدت گرفت؛ فعل ماضی است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / ثلاث مُحَافَظَاتٍ: سه استان (رد گزینه ۴) / زادت: افزود، زیاد کرد (رد سایر گزینه‌ها) / إغیران: غبارآلودگی (رد گزینه ۳) / مُدْنِها: شهرهای آن (رد گزینه ۱)
- ۳۰- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: تَبَحُّثٌ: می‌گردد، جست‌وجو می‌کند (رد گزینه ۴) / قُدْرَةُ البَشَرِ الْمُفْتَكِرَةِ: قدرت اندیشمند انسان (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / طُرُقٌ: راه‌هایی؛ جمع است (رد گزینه ۲) / إلهیة: الهی، خدایی (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / بأحسنِ صورةٍ: به بهترین شکل (رد گزینه ۳)
- نکته** در ترکیب «قدرة البشر المُفْتَكِرَة» که یک ترکیب وصفی - اضافی است، ابتدا مضاف‌إلیه و سپس صفت آمده است، اما در هنگام ترجمه، مطابق زبان فارسی، ابتدا باید صفت را ترجمه کنیم و سپس مضاف‌إلیه را.
- ۳۱- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: ما نَجَحَ: موفق نشد، پیروز نشد (رد گزینه ۲) / في المسابقة: در مسابقه (رد گزینه ۴) / قَبْلَ: بوسید (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / أرض المَلْعَبِ: زمین ورزشگاه (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / ثَمَّ: سپس (رد گزینه ۴) / بِدَمْعٍ مُنْهَمِرَةٍ: با اشک‌هایی ریزان (رد گزینه‌های ۲ و ۴)
- نکته** «ما» بر سر فعل ماضی، آن را منفی می‌کند. (ما نَجَحَ: موفق نشد)
- ۳۲- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: تَدَوَّرَ: می‌چرخد (رد گزینه ۳) / شكَّيْنِ: دو شکل؛ مثنی است. (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / دَوْرانها: چرخش آن؛ اسم است و نباید به صورت فعل ترجمه شود. (رد گزینه ۳) / لِمَدَّةٍ: لِمَدَّةٍ كامِلَةٍ: به مدت یک روز کامل (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / لِمَدَّةٍ سَنَةٍ كامِلَةٍ: به مدت یک سال کامل (رد گزینه‌های ۱ و ۴)
- ۳۳- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: كان ... يُؤكِّدون: تأکید می‌کردند؛ كان + مضارع ← معادل ماضی استمراری است. (رد سایر گزینه‌ها) / العزَّة: بزرگی؛ مفرد است نه جمع. (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / في حقِّ النَّاسِ: در حق مردم (رد گزینه ۱)
- ۳۴- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: الفُرصُ الدَّهْبِيَّةُ: فرصت‌های طلائی (رد گزینه ۱) / تحضُّلٌ: به دست می‌آید، حاصل می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / هم الذين: همان کسانی هستند که (رد سایر گزینه‌ها) / يَسْتَفِيدونها: از آن‌ها استفاده می‌کنند (رد گزینه‌های ۱ و ۴)



۳۵- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها هؤلاء شاعرات: اینان شاعر هستند (رد سایر گزینه‌ها) / و لَهْنُ أشعار: و اشعاری دارند (رد سایر گزینه‌ها) / عاطفة: عاطفه‌ای؛ مفرد است نه جمع. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / شعور: احساسی؛ مفرد است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

نکته هرگاه بعد از اسم اشاره، اسم بدون «ال» بیاید، به صورت جمله ترجمه می‌شود؛ ولی اگر اسم «ال» دار بیاید یک گروه اسمی است و جمله نیست. (هؤلاء شاعرات: این‌ها شاعر هستند. هؤلاء الشاعرات: این شاعران)

۳۶- **گزینه ۱** ترجمه درست سایر گزینه‌ها گزینه ۲: کار نیکو انجام دهید، به درستی که من به آن چه انجام می‌دهید آگاه هستم. / گزینه ۳: علم را حتی در چین بجویید؛ زیرا خواستن دانش واجب است. / گزینه ۴: آیا می‌دانی که خداوند از آسمان، آبی را نازل کرد پس به وسیله آن میوه‌هایی درآورد!

۳۷- **گزینه ۱** ترجمه درست این دشمنان به یک کشور مسلمان حمله کردند و مردانش را کشتند.

۳۸- **گزینه ۲** ترجمه درست پس ابرها تشکیل می‌شوند و در آسمان به حرکت درمی‌آیند و مقدار دیگری از بخار آب در ابرها اضافه می‌شود.

۳۹- **گزینه ۳** ترجمه درست سایر گزینه‌ها گزینه ۱: مرد برای همسرش انگشتی خرید که در آن سنگ‌های گران‌قیمت وجود داشت. / گزینه ۲: به راستی خداوند زمین را زیر پاهای اسماعیل علیه السلام شکافت و از آن آبی بیرون آورد. / گزینه ۴: امروز طلوع خورشید در ساعت یک ربع به شش بود.

۴۰- **گزینه ۲** ترجمه درست سایر گزینه‌ها گزینه ۱: اگر توانستی به کسی که به تو ستم کرده رحم کنی، پس خداوند به تو رحم می‌کند (خواهد کرد). / گزینه ۳: به چیزی که می‌گوید نگاه نکنید، بلکه به آنچه از گفته‌هایش عمل کرده بنگرید. / گزینه ۴: نور خورشید بعد از عبور از قطره‌های باران شکسته می‌شود سپس هفت رنگ پدید می‌آورد.

۴۱- **گزینه ۳** ترجمه درست سایر گزینه‌ها گزینه ۱: یک درخت هرگاه بر زمین بیفتد، همگی مردم آن را احساس می‌کنند. / گزینه ۲: ولی هنگامی که جنگل بزرگی رشد می‌کند، هیچ کس آن را احساس نمی‌کند. / گزینه ۴: دقتشان به افتادنت بیشتر است، پس مراقب باش!

۴۲- **گزینه ۴** ترجمه درست «این دست خداست که می‌خواهد تو را نجات دهد.»

۴۳- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها دانه کوچکی: حَبَّةٌ صغيرة (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / در باغچه: في الحديقة (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / به آرامی: بهْدوء (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / زیر: تحت (رد گزینه ۳) / نور خورشید فروزان: ضوء الشمس المَسْتَوِرَة؛ اولاً «نور» مفرد است؛ ثانیاً «فروزان» صفت «خورشید» است نه «نور». (رد سایر گزینه‌ها) / شد: صارت، أَصْبَحَتْ؛ به علت مؤنث بودن «حَبَّة» باید به صورت مؤنث بیاید. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

نکته برای تشخیص مذکر یا مؤنث بودن فعل باید دقت کنیم که فعل مربوط به کدام کلمه است.

۴۴- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها این هتل: هذا الفندق (رد گزینه ۳) / از ساعت شش و ربع: من الساعة السادسة و الربع (رد سایر گزینه‌ها) / صباحانه: الفطور (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

نکته برای «ساعت کامل + ربع» می‌توان از ترکیب «عدد ترتیبی «ال» دار + و + ال رُبْع» استفاده کرد.

۴۵- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها رنگ: لون؛ مفرد است. (رد گزینه ۴) / میوه: الفاكهة؛ مفرد است و نباید به صورت جمع بیاید. (رد گزینه ۳) / سبز: الأخضر (رد سایر گزینه‌ها) / زرد: الأصفر (رد گزینه ۱) / تغییر داد: غَيَّر؛ فعل ماضی در صیغه مفرد مذکر غایب است. (رد سایر گزینه‌ها)

۴۶- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها خوابیدن: التَّوَم، الرُّقود (رد گزینه ۴) / هشت ساعت: ثَماني ساعات (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / یک روز: اليوم الواحد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / سلامت جسم و روح: سلامة الجسم و النفس (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / کمک می‌کند: يُساعد؛ فعل مضارع است و مفعول ندارد. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

۴۷- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها دانش‌آموز: التلميذ، الطالب؛ مفرد است نه جمع. (رد گزینه ۱) / شباهت‌ها: تشابهات؛ جمع است. (رد گزینه ۴) / شباهت‌های زندگی: تشابهات حياة؛ ... ترکیب اضافی است و باید به صورت (مضاف + مضاف‌إلیه) بیاید. (رد گزینه ۲) / کلاغ: الغراب (رد گزینه ۴) / می‌گشت: كان يبحث؛ اولاً «می‌گشت» ماضی استمراری است و معادل آن در عربی باید به صورت «كان + فعل مضارع» بیاید (رد گزینه‌های ۲ و ۴)؛ ثانیاً با توجه به «دانش‌آموز» که مفرد است، باید در صیغه مفرد مذکر غایب باشد. (رد گزینه ۱)

۴۸- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها غرق‌شدگان: الغارقون، الغریقون؛ «غرق‌شدگان» اسم است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / دنیوی: الدنیویة (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / زیرا آن‌ها: لأتهم (رد گزینه ۳) / سرای آخرت: الدار الآخرة (رد سایر گزینه‌ها)

۴۹- **گزینه ۱** ترجمه عبارت هر کس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند. ترجمه گزینه‌ها گزینه ۱: اگر شکر کنید، قطعاً برای شما زیاد می‌کنم و اگر کفران کنید، محققاً عذاب من شدید و سخت است. / گزینه ۲: هرگاه بدی کردی از آزار و اذیت‌ها در امان نیستی؛ چون دیر یا زود مکافات عمل خود را خواهی دید. / گزینه ۳: هر مصیبتی به شما برسد به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید. / گزینه ۴: اگر بدی می‌کنی، انتظار خوبی نداشته باش؛ چراکه اگر درخت خار بکاری، گل یاسمن درو نمی‌کنی.

۵۰- **گزینه ۱** ترجمه عبارت «و آن را با ستارگانی مانند مروریدهای پراکنده زینت داد.»

ترجمه گزینه‌ها گزینه ۱: ما آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم. / گزینه ۲: ستارگان به فرمان او مسخر شده‌اند. / گزینه ۳: او کسی است که ستارگان را برای شما پدید آورد تا به وسیله آن‌ها در تاریکی‌های خشکی و دریا هدایت شوید. / گزینه ۴: ما آن‌چه را که بر زمین است زینتی برایش قرار دادیم.

۵۱- **گزینه ۴** ترجمه عبارت «ای کسانی که ایمان آوردید برای چه می‌گویید آن‌چه را که انجام نمی‌دهید؟»